

بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی با احساس امنیت محله‌ای (مورد مطالعه: شهر آران و بیدگل)

امیر رستگار خالد^۱، مسعود سلمانی بیدگلی^۲، سمیه آران دشتی^۳

چکیده:

در میان انواع روابطی که یک فرد در جامعه با دیگران دارد (ارتباط با اعضای خانواده، دوستان، همکاران و...)، ارتباط با همسایگان نیز یکی از این روابط می‌باشد و در بستر همین روابط همسایگی است که پدیده‌ای به نام سرمایه اجتماعی همسایگی نیز رقم می‌خورد که متشکل از ابعاد عینی (شبکه روابط و تعاملات، انسجام رابطه‌ای، مشارکت اجتماعی) و ابعاد ذهنی (اعتماد اجتماعی، انسجام ارزشی، مشارکت اجتماعی و نزدیکی اجتماعی) می‌باشد. وجود این نوع خاص از سرمایه اجتماعی دارای پیامدهای مهمی در زندگی اجتماعی افراد می‌باشند. یکی از مهم‌ترین اثرات و پیامدهای سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی، افزایش امنیت محله‌ای می‌باشد. همچنین کنترل اجتماعی نیز از پیامدهای دیگر آن می‌باشد. بنابراین نبود این نوع خاص از سرمایه اجتماعی می‌تواند منجر به بروز مشکلات اجتماعی در سطح محله و جامعه شود. لذا شناخت این نوع از سرمایه اجتماعی می‌تواند به ما در حل بسیاری از معضلات شهری کمک نماید. در این راستا، این پژوهش با حجم نمونه ۳۸۴ نفر در شهر آران و بیدگل (منطقه آران)، انجام گرفته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS و با به کارگیری روش‌های آماری نظیر توزیع فراوانی،

Rastegar@shahed.ac.ir

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد تهران

Massood.Salmani1989@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی

Somayeh_arandashti@yahoo.com

^۳ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران

ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی، تحلیل مسیر و... توصیف و تحلیل شده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که میان سرمایه اجتماعی همسایگی با امنیت محله‌ای، کنترل اجتماعی و هویت محله‌ای رابطه وجود دارد و سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی، کنترل اجتماعی و هویت محله‌ای به عنوان متغیرهای مستقل قسمتی از واریانس امنیت محله‌ای به عنوان متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی، امنیت محله‌ای، کنترل اجتماعی، هویت محله‌ای

مقدمه:

امروزه با توجه به تغییراتی که در سطح شهرها مانند توسعه‌ی وسایل حمل و نقل عمومی، توسعه‌ی امکانات ارتباطی و... به وجود آمده، مشکلات زیادی برای ساکنان آن به پدید آمده است. در محله‌های شهری^۴، به دلیل مهاجرت‌ها، عدم توافق بر سر هنجارها و اختلال در آن‌ها، انواع ناهنجاری‌های اجتماعی و به دنبال آن بزهکاری‌ها و افزایش جرم و جنایت و کاهش ناامنی‌های اجتماعی رخ می‌دهد.

در جامعه‌ی امروز شهری، تغییر شکل صمیمیت اتفاق افتاده است. خصلت طبیعی اجتماع محلی از میان رفته و نهادهای مدرن بیش از پیش وارد قلمرو زندگی خصوصی افراد شده‌اند. در این فرآیند به نظر می‌آید که روابط شخصی از بین رفته‌اند و با فاصله‌گیری زمانی - مکانی جریان‌ها و افراد، روابط متقابل و رودرروی افراد جایش را به ارتباطات مجازی داده‌اند. اگر زمانی این سازمان‌های خویشاوندی بوده‌اند که وظیفه‌ی تنظیم کنش‌ها را بر عهده داشته‌اند، امروز تأثیر آن‌ها کمتر شده است. هم‌چنین به علت وجود مهاجرت‌های مکرر افراد و تحرک‌های فیزیکی و مکانی‌شان، دیگر کمتر صحبت از اجتماع محلی با محیط آشنای آن می‌شود.

افراد ساکن در محله یکدیگر را نمی‌شناسند و روابط رودرو و مستقیم بسیار کمی با یکدیگر دارند. در این شرایط افراد سعی می‌کنند مشکلاتشان را به تنهایی حل کنند، شرایط انزوای اجتماعی آن‌ها فراهم می‌آید و احساس ناامنی فردی و اجتماعی افزایش پیدا می‌کند.

⁴ Urban community

بر اساس تئوری نیازها در هرم مازلو، امنیت یکی از نیازهای ضروری و وجودی انسان است. درست شبیه نیازهای فیزیولوژیک یک انسان، احساس امنیت با سعادت و موفقیت انسان رابطه‌ی مستقیم دارد (هزارجریبی و صفری‌شالی، ۱۳۸۸: ۱۲). اهمیت نیاز به ایمنی و اطمینان و احساس امنیت در حدی است که برای حفظ تعادل در جامعه، امری واجب تلقی می‌شود. میزان و نوع روابط بین همسایگان و سرمایه‌ی اجتماعی تأثیر زیادی در افزایش امنیت در سطح محله‌ای دارد. آمارها نشان می‌دهد که در محله‌های قدیمی که هویت محله‌ای^۵ در میان ساکنین محله از کیفیت و غنای بیشتری برخوردار است، میزان جرم و جنایت کمتر و امنیت محله‌ای بیشتر از محله‌های نوساز است. برای نمونه میزان جرم و جنایت در سرکلانتری‌های سوم و چهارم تهران بیشترین میزان است (۱۶.۲۰ و ۱۵.۸۲ درصد) و در سرکلانتری یک کمترین میزان جرم و جنایت وجود دارد (۸.۲۳ درصد). سرکلانتری اول شامل محله‌های قدیمی و معماری‌های سنتی می‌شود و میزان جرم و جنایت کمتر است. اما در سرکلانتری‌های سوم و چهارم محله‌های جدیدی وجود دارد که مردم کمتر یکدیگر را می‌شناسند و همچنین تراکم جمعیت نیز بالاتر است و ساختمان‌های چند طبقه و آپارتمانی وجود دارد و به طور کلی نوع معماری و ساختمان‌ها با سرکلانتری یک که شامل محله‌هایی مانند تجریش و قیطریه می‌شود، تفاوت دارند. بعد از آنها سرکلانتری‌های ششم و هفتم بیشترین آمار جرم و جنایت را دارند (۱۲/۷۶ و ۹/۹۷ درصد) (ذوالفقاری و شایگان، ۱۳۹۰: ۲۳).

محله به مثابه‌ی یک اجتماع کوچک طبیعی است که برای برقراری روابط اجتماعی (میان همسایگان) محیط بسیار مساعدی را به وجود آورده است... و همسانی و شباهت در نوع زندگی، موجب شناسایی متقابل و حس تعلق افراد و احساس تعلق به گروه می‌گردد، که در این صورت، می‌توان گفت هویت مکانی و احساس تعلق محله‌ای^۶ در میان افراد، از طریق انواع ارتباطات و مراودات اجتماعی^۷ که همسایگان با

⁵. Community identity

⁶. Community attachment

⁷. Social intercourse

یکدیگر خواهند داشت، شکل خواهد گرفت؛ به گونه‌ای که عامل اصلی هویت و شخصیت محله‌ها، نوع زندگی و مراودات اجتماعی ساکنین آن می‌باشد (کشتکار و دیگران، {بی تا}: ۴۱). به طور کلی، نیاز به تعلق، مربوط به رابطه انسان با دیگران و با محیط است. شخصی شدن و از خود پنداشتن یک امر و حتی یک اندیشه، احساس تعلق را به وجود می‌آورد. این احساس می‌تواند در مورد وسایل، فضا، حیوانات و افراد در فرد ایجاد شود (جعفری، ۱۳۸۹: ۲۳). دیگران، همان همسایگانند و محیط نیز همان محله‌ای که افراد در آن زندگی می‌کنند که در این صورت به نظر می‌آید، هرچه همسایگان ساکن در یک محله بتوانند با عناصر کالبدی محله (بعد عینی هویت محله - ای) ارتباط برقرار کنند و از سوی دیگر بتوانند فعالیت‌های جمعی و مراودت با یکدیگر را پررنگ‌تر نمایند (بعد ذهنی هویت محله‌ای)، در این صورت انتظار می‌رود که هویت محله‌ای در میان ساکنین محله از کیفیت و غنای بیشتری برخوردار گردد. افراد (در شهر آران و بیدگل) به لحاظ محل زندگی، در دو نوع محله شهری، با دو نوع بافت قدیمی‌ساز و نوساز در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کنند، که این دو بافت از جهات مختلفی، خواه به لحاظ شرایط معماری و فیزیکی و تراکم جمعیتی و خواه به لحاظ قشربندی اجتماعی افراد ساکن (سطح تحصیلات، شغل و درآمد)، با یکدیگر متفاوت هستند. شواهد محققین و مصاحبه‌هایی که با برخی از ساکنین این مناطق انجام شده است، حاکی از آن است که بافت قدیمی‌ساز شهر، عموماً به لحاظ معماری و شرایط فیزیکی از کوچه‌های تنگ و باریک، خانه‌هایی با مصالح ساده و... ساختار یافته‌اند. به لحاظ جمعیتی نیز اکثر خانواده‌هایی با تراکم جمعیتی بالا، ساکنانی عمدتاً سالخورده و میان‌سال با میزان تحصیلات پایین، شاغل به مشاغل مثل قالی‌بافی و کارگری با درآمد نسبتاً پایین و... تمرکز یافته‌اند. در مقابل، افرادی که در محلات نوساز ساکن هستند، در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که به لحاظ معماری شهری، جدید و عموماً به سبک آپارتمانی، با عالی‌ترین مصالح می‌باشد و محلات نوساز به لحاظ جمعیتی نیز، عمدتاً محل اسکان خانواده‌هایی با تراکم جمعیتی پایین و جوان، دارای سطح تحصیلی بالا و شاغل به مشاغل نظیر پزشکی، اساتید و فرهنگیان و... هستند. با

توجه به تفاوت‌هایی که به لحاظ قشربندی اجتماعی و فرهنگی و جداگزینه فضایی و نیز بافت معماری شهری در بین محلات قدیمی‌ساز و نوساز مشاهده می‌شود، این سوال پیش می‌آید که مکانیسم تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (افزایش آن در محله‌های قدیمی نسبت به نوساز) بر افزایش امنیت محله‌ای چیست؟ آیا سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی باعث افزایش هویت محله‌ای و کنترل اجتماعی می‌شود؟

پیشینه‌ی تحقیق

تحقیقات داخلی

شاپور بهیان و آمنه فیروزآبادی (۱۳۹۲) با مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهرها (مطالعه‌ی موردی: شهر کرمان)، به بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی می‌پردازند. روش آن‌ها میدانی و تکنیک پیمایش بوده است. جامعه‌ی آماری تحقیق آن‌ها همه‌ی شهروندان ۲۰ سال به بالای شهر کرمان هستند که یک نمونه‌ی ۵۳۰ نفری به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در بین شهروندان کرمان، بین متغیرهای فضای فیزیکی شهر، فضای اجتماعی شهر، مشاهده‌ی تلویزیون داخلی، گوش کردن به رادیو داخلی، استفاده از اینترنت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سن و جنس با میزان احساس امنیت رابطه‌ی معناداری وجود دارد، ولی بین وضعیت بومی یا غیربومی بودن شهروندان و احساس امنیت رابطه‌ی معناداری مشاهده نشده است (بهیان و فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

فریدون وحیدا و سمیه نگینی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله‌ای به طرح مفهوم هویت محلاتی در حیطه‌ی علوم اجتماعی می‌پردازند که می‌تواند به مثابه‌ی الگویی برای حل معضلات و مشکلات هویتی در بافت محلات که آسیب‌ها و مشکلات انسانی و اجتماعی جدی به دنبال داشته باشد، مطرح شود. روش به‌کار رفته در پژوهش آن‌ها پیمایشی بوده و داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسش‌نامه در میان ۲۶۰ نفر از ساکنان ۲۰ سال به بالا در محله‌ی مرداوچ و عباس‌آباد در شهر اصفهان به صورت مقایسه اجرا شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، تصادفی

منظم بوده است. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که تحلیل مولفه‌های اصلی نشان می‌دهد که پرسش‌نامه‌ی هویت محله‌ای از سه عامل حس تعلق به مکان، احساس امنیت و تعاملات اجتماعی تشکیل شده است و بر اساس نتایج گزارش شده از مدل، مقیاس هویت محله‌ای، مقیاس قابل قبولی برای اندازه‌گیری و سنجش است (وحیدا و نگینی، ۱۳۹۰: ۳۵).

رحمت‌الله صدیق سروستانی و نوروز نیمروزی در سال ۱۳۸۹ در تحقیقی تحت عنوان بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد سعی کرده‌اند تا ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد را مورد مطالعه قرار دهند. بر اساس داده‌های به دست آمده معلوم شده که بین متغیرهای اعتماد به همسایه‌ها، نگرش به محیط فیزیکی محله، تمایل به مشاکت در امور محله، سطح سواد فرد، عضویت در انجمن‌های اجتماعی محله و رتبه اقتصادی^۵ اجتماعی منطقه محل سکونت از یک‌سو و احساس امنیت در محله از سوی دیگر ارتباطی مثبت وجود دارد (سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹: ۱۸۶).

براتعلی خاکپور و همکارانش (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی پایدار محله‌ای (نمونه کوی سجادیه مشهد)، معتقد هستند که گسست در ساختار فضایی^۶ اجتماعی شهرها در روند توسعه‌ای حاضر موجب ناکارآمدی طرح‌های توسعه شده و نگاه کلان و شهر مقیاس را متوجه سلول‌های بنیادین یا محلات شهری نموده است تا از این سطح در جهت هدف اصلی برنامه‌ریزی یا بهبود کیفیت زندگی ساکنان تلاش کنند (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۵).

علی یوسفی و همکاران (۱۳۸۸)، در تحقیقی تحت عنوان "انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد" به مقوله ارتباطات همسایگی پرداخته‌اند. ایشان بر این باورند که همسایگی بخش مهمی از فضای عمومی شهر است که فرصت ارتباط اجتماعی را برای ساکنین فراهم می‌آورد و از این جهت در تقویت انسجام شهر سهم مهمی دارد. تحلیل ثانویه داده‌های همسایگی بر روی ۳۰ شبکه همسایگی در سه منطقه برگزیده

شهر مشهد به روشنی نشان می‌دهد که انسجام رابطه‌ای^۸ شبکه همسایگی^۹ این شهر کمتر از حد متوسط و بیشتر نیز متکی بر پیوندهای ضعیف همسایگی می‌باشد و انسجام ارزشی شبکه نیز از لحاظ شدت علائق ارتباطی و تعهدات محلی ضعیف، اما از نظر اشتراک علائق و تعهدات نسبتا بالاست. تحلیل چندگانه انسجام رابطه‌ای و ارزشی شبکه همسایگی نیز حاکی از این است که متغیرهای ثبات مسکونی، تراکم مسکونی، تنوع پایگاهی، تنوع قومی-مذهبی و محلی در تغییرات انسجامی شبکه دخیل هستند و در این میان دو متغیر نخست یعنی ثبات مسکونی و تنوع پایگاهی سهم بیشتری در این تغییرات دارند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

خدیجه سفیری در سال ۱۳۸۵ پژوهشی با عنوان نقش نهادهای غیردولتی محله‌ای در تامین امنیت اجتماعی (با تاکید بر شهر تهران) انجام داده است. هدف این مقاله، بررسی اهمیت نهادهای محله‌ای غیر دولتی در تهران است که پس از تاسیس و استقرار، بستر لازم را برای تامین امنیت اجتماعی ایجاد می‌کند و توسط مشارکت اجتماعی^{۱۰}، افراد محله، به ویژه جوانان را به طور داوطلبانه در تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی‌های مربوط به محله، دخالت می‌دهد. در این تحقیق درصد بالایی از افراد، آمادگی خود را جهت همکاری در گروه‌های امنیتی- محله‌ای اعلام نموده‌اند (سفیری، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

تحقیقات خارجی

جان شوایتزر^{۱۱} در مرکز توسعه‌ی اجتماع و اقتصاد دانشگاه میشیگان در آوریل ۲۰۱۰، به بررسی مقیاس‌ها و ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و تغییرات رفتاری^{۱۲} پرداخته است. وی در این پژوهش ابعاد حس مربوط به اجتماع را شامل این موارد می‌داند: این که مردم یک محله همدیگر را می‌شناسند یا نه (ارتباط)؟ کارهای مفیدی را برای

⁸. Relational integration

⁹. Neighborhood network

¹⁰. Social participation

¹¹. John H Schweitzer

¹². Neighborhood Social Capital Measures and Behavior Change

هم انجام می‌دهند (حمایت)؟ مراقب آینده محله و بلوکشان هستند و در برابر آن احساس مسئولیت می‌کنند (حس تعلق)؟ در امور مربوط به محله‌شان، فعالیت‌هایی را در جهت بهبود شرایط و اوضاع محله انجام می‌دهند (مشارکت)؟ این که اگر در محله، همسایگان با مشکلی مواجه شدند، دیگر همسایگان توانایی این را دارند، که راه حل جدیدی را اتخاذ کنند (توانایی دادن، توانمند کردن)؟

نتایج این تحقیق عبارت است از: که در واقع صورت ساختمان‌های شهری یک مقیاس مهم مکانی است که برتری زیادی برای ساکنانش دارد. این نوع مقیاس مکانی است که ساکنان آن را درک می‌کنند. آن مربوط به رفتار ساکنان با دیگر همسایگان‌شان است و هم چنین واحدی است که به مطالعه‌ی بیشتری نیاز دارد و در واقع گسترش حوزه مربوط به علم مکان را در پی خواهد داشت.

روبرتسون^{۱۳} در سال ۲۰۰۸، در مقاله‌ای تحت عنوان فضا، تعلق و هویت^{۱۴} سعی کرده با استفاده از فن مصاحبه با پاسخگویان در باره نوع احساسات و وجهه نظراتشان در مورد محلی که در آن زندگی می‌کنند و هم چنین همسایگان‌شان به داده‌هایی دست یابد. هدف اصلی مقاله بررسی این نظر است که چگونه تصورات و احساسات نسبت به اجتماع ساخته و پرداخته می‌شود. وی در این مقاله تعدادی از ویژگی‌های جمعیتی ساکنان را در هر همسایگی مطرح کرده و سپس به بررسی این مهم پرداخته که چگونه تصورات مربوط به اجتماع و هویت اجتماعی ایجاد می‌شود. نتایج تحقیق نشان داد که طول مدت سکونت افراد در محله و متولد شدن در یک مکان، در اکثریت افراد، در محیط همسایگی‌شان رشد می‌یابد. هم چنین این تحقیق نشان داد که به طور صریح این جنبه از هویت به وسیله به هم پیوستن و اتحاد مردمی که در یک منطقه زندگی می‌کنند، سازماندهی می‌شود.

مارتین اینز و وانسا جونز^{۱۵} در سال ۲۰۰۶ تحقیقی با عنوان امنیت همسایگی و

¹³. Robertson

¹⁴. space, belonging, identity

¹⁵. Martin Innes and Venessa Jones

تغییرات شهری^{۱۶} انجام داده‌اند. هدف آن‌ها در این تحقیق نشان دادن چگونگی تأثیر ناامنی و امنیت همسایگی بر تغییرات محله‌ای در شهر است. آن‌ها راه‌هایی را که جرم، بی‌نظمی، ترس از جرم و کنترل اجتماعی بر امنیت محله‌ای تأثیر می‌گذارند، تحلیل می‌کنند. داده‌های تحقیق بین آوریل ۲۰۰۳ تا مارچ ۲۰۰۵ در چهار محله در انگلستان به صورت کمی و کیفی جمع‌آوری شده‌اند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که انسجام اجتماعی در هر محله میزان ناامنی را کاهش می‌دهد و همچنین میزان امنیت محله‌ای در دو محله‌ی از لحاظ قومی یکسان که در نزدیک هم هستند، می‌تواند متفاوت باشد.

شوچونگ^{۱۷} در سال ۲۰۰۵، نیز در طرحی تحت عنوان سرمایه اجتماعی همسایگی جوانان استرالیایی^{۱۸}، به بررسی سرمایه اجتماعی همسایگی در بین جوانان استرالیایی پرداخته است. وی پنج فاکتور را برای سرمایه اجتماعی همسایگی در نظر می‌گیرد که عبارتند از: شمار همسایگان نزدیکی که فرد با آن‌ها در تماس است، طول مدت سکونت افراد، انسجام اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های همسایگی و درک امنیت محله‌ای. وی در مقاله‌اش سعی کرده تا به این قضیه بپردازد که انسجام اجتماعی و درک امنیت محله‌ای، سطح متفاوتی از سرمایه اجتماعی همسایگی را برای جوانان فراهم می‌کند؟ ساکنان جوان ۱۶ تا ۲۵ ساله در مصاحبه‌های مربوط به این تحقیق شرکت کرده بودند. نتایج تحقیقات وی نشان داده است که همسایگانی که انسجام اجتماعی بالایی داشته‌اند، سطح اعتماد بالایی نیز به یکدیگر داشته بودند. نتایج هم چنین نشان دادند که جوانانی که از همسایگان و محله‌شان احساس ایمنی و امنیت می‌کرده‌اند، میزان اعتمادشان به دیگر همسایه‌ها نسبتاً بیشتر از آن‌هایی بوده‌اند که نسبت به همسایگان خود این احساس را نداشته‌اند. این نتایج تقویت‌کننده این دیدگاه است که خلق و پدیدآوردن همسایگان منسجم و دارای وجدان جمعی و گروهی و ارتباط نزدیک میان آن‌ها و هم‌چنین جلوگیری کردن از جرم می‌تواند سرمایه اجتماعی

¹⁶. Neighbourhood Security and Urban Change: Risk, Resilience and Recovery

¹⁷. Sheau Chong

¹⁸. Young Australians Neighbourhood Social Capital

همسایگی در محلات را تقویت کند.

نتیجه‌گیری از پیشینه‌ی تحقیق

تعداد قابل توجهی تحقیقات داخلی در مورد امنیت محله‌ای انجام شده است و این تحقیقات به متغیرهایی مانند سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت، نقش نهادهای غیردولتی، ارتباطات همسایگی و ... پرداخته‌اند؛ اما نکته‌ی قابل توجه این است که این تحقیقات کمتر نقش سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی در امنیت محله‌ای را بررسی کرده‌اند که خود متغیر تبیین‌کننده‌ی مهمی برای امنیت محله‌ای می‌باشد. از سوی دیگر تحقیقات خارجی به بعد سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (به عنوان متغیری جدید و مهم) توجه کرده‌اند و نشان داده‌اند که چگونه و با چه مکانیسمی امنیت محله‌ای را تبیین می‌کند. از این رو در این مقاله توجه خاصی به سرمایه‌ی اجتماعی از نوع همسایگی آن شده است و لازم است در تحقیقات داخلی دیگر بیشتر به این بعد توجه شود.

مباحث نظری

سرمایه اجتماعی همسایگی به مثابه‌ی نوعی از سرمایه‌ی اجتماعی

از آن جا که همسایگی نوعی از سرمایه اجتماعی است، بنابراین منطقی و ضروری به نظر می‌رسد که در تعریف و تبیین سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی، ابتدا به بررسی تعاریف و ویژگی‌های سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته شود. وولکاک و نارایان (۲۰۰۰) سرمایه‌ی اجتماعی را این گونه شرح داده‌اند؛ ایده‌ی اصلی سرمایه‌ی اجتماعی این است که خانواده و دوستان و آشنایان یک فرد، یک دارایی مهم را تشکیل می‌دهند که می‌توان در یک بحران از آن استمداد کرد، به خاطر خودش از آن استفاده نمود و آن را برای کسب منفعی به کار گرفت. به عبارت دیگر، منابع سرمایه‌ی اجتماعی در ساختار روابط اجتماعی (که یک بازیگر در آن‌ها مستقر شده) که در طول زمان گسترش یافته است یا در اجتماع مستقر شده‌اند، قرار دارد. بنابراین می‌بینیم کسی که ما می‌شناسیم، زمینه‌ساز کیفیت رفاه ما است. برخی دیگر از صاحب‌نظران، سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای از روابط، تعاملات و شبکه‌های اجتماعی که در میان افراد و گروه‌های اجتماعی وجود داشته و موجب گرمی روابط اجتماعی و تسهیل کنش اجتماعی

می‌شود، تعریف نموده‌اند (غفاری، ۱۳۸۸: ۱۸، به نقل از خاکپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۶) سرمایه‌ی اجتماعی دارای دو رکن است؛ پیوند و اعتماد. شارع‌پور پیوندها را به دو دسته تقسیم می‌کند: الف) پیوندهای عینی^{۱۹} بین افراد: نوعی ساختار شبکه‌ای عینی می‌بایست برقرار کننده‌ی ارتباط بین افراد باشد. این بخش از سرمایه‌ی اجتماعی حکایت از آن دارد که افراد در فضای اجتماعی با یکدیگر پیوند دارند. ب) پیوندهای ذهنی^{۲۰}: پیوندهای بین افراد باید دارای ماهیت متقابل، مبتنی بر اعتماد و دارای هیجانات مثبت باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

یکی از مباحث مهم در زمینه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، بحث ماری داگلاس^{۲۱} در زمینه سرمایه‌ی اجتماعی گروهی و مشبک^{۲۲} است. بعد گروهی شامل تعداد تعاملات بین افراد و دو طرفه‌بودن و گستره‌ی آن است (اسوندسن^{۲۳}، ۲۰۰۹: ۵۸). آیا افراد روابط چهره‌به‌چهره‌ی زیادی با هم دارند؟ آیا یک مرز قوی که گروه را جدا کند وجود دارد؟ بعد دیگر به میزانی که فرد با قوانین بیرونی محدود می‌شوند، اشاره می‌کند. در این جا بالاترین میزان قانون‌مندی‌ها وجود دارند (اسوندسن، ۲۰۰۹: ۵۸). بورديو در مقاله‌اش با نام گونه‌های سرمایه، بیان می‌دارد که سرمایه اجتماعی یک مجموعه از منابع موجود یا بالقوه است که منتج از یک شبکه‌ی بادوام متشکل از روابط کم و بیش نهادی در باب آشنایی و شناخت دوطرفه یا به بیان دیگر ناشی از عضویت در یک گروه است. در مفهوم‌سازی بورديو، سرمایه‌ی اجتماعی شامل روابط اجتماعی است که یک فرد می‌تواند برای دسترسی به منابع کسانی که با آن‌ها در رابطه است، استفاده کند و همچنین میزان و کیفیت این دسترسی می‌باشد. کلمن سرمایه اجتماعی را به قرار زیر تعریف می‌کند: مجموعه منابعی که همراه ارتباطات فامیلی و موسسات اجتماعی جامعه است و در توسعه‌ی اجتماعی و ادراکی بچه یا فرد جوان مفید واقع می‌شود. این منابع برای افراد مختلف یکسان نبوده و در توسعه‌ی سرمایه انسانی بچه‌ها و جوانان

19. Objective bond

20. Subjective bond

21. Mary Douglas

22. Group _ grid

23. Swendsen

مزیت فوق العاده‌ای به حساب می‌آید (کلمن، ۱۹۹۴: ۳۰۰؛ به نقل از فیلد، ۳۷). سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی، نوعی از سرمایه‌ی اجتماعی است که در سطح اجتماع مطرح می‌باشد. این نوع از سرمایه به لحاظ ساختاری و هنجاری می‌تواند این امکان را برای افراد به وجود آورد تا در قالب واحد اجتماعی محله و به طور کلی در ارتباط افراد با همسایگان دیگر، آنچه را که در محیط اجتماع و محله‌شان، رایج و معمول است، ببینند، نقش‌های بزرگسالی‌شان را در حین ارتباط و تعامل با دیگران درک کرده و به طور کلی، رفتارهایی معین را که به طور اجتماعی قابل پذیرش هستند، تجربه نماید (پیرا و همکاران، ۲۰۰۶: ۵۱۶).

در توضیح بیشتر در مورد سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی می‌توان گفت که همسایگان و محله‌ای که افراد در آن زندگی می‌کنند، نیز می‌تواند به عنوان یکی از منابع سرمایه‌ی اجتماعی در سطح اجتماع در نظر گرفته شود. بر این مبنا می‌توان این گونه خاطر نشان کرد که سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی یکی از انواع سرمایه‌ی اجتماعی محکم‌کننده است که به روابط بین گروه‌های نسبتاً همگن (مانند یک گروه قومی، مذهبی یا اجتماعی^{۲۴}) باز می‌گردد و این نوع سرمایه‌ی اجتماعی، پیوندهای اجتماعی^{۲۴} را در گروه مشخص قوی می‌کند و برای آماده کردن رابطه‌ی متقابل خاص و پویا کردن یکپارچگی خوب است. سرمایه‌ی اجتماعی محکم‌کننده یک نوع چسب قوی اجتماعی است (گزارش تحقیقی کمیسیون بهره‌وری استرالیا، ۱۳۷۸: ۳۳-۳۲). بنابراین با توجه به سرمایه‌ی اجتماعی به طور عام و سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی به طور خاص می‌توان این گونه بیان کرد که ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند شامل ابعاد عینی و ذهنی باشد؛ ابعاد عینی شامل شبکه تعاملات و روابط، انسجام رابطه‌ای و مشارکت اجتماعی و ابعاد ذهنی شامل اعتماد اجتماعی^{۲۵}، حمایت اجتماعی^{۲۶}، انسجام ارزشی^{۲۷} و نزدیکی اجتماعی (یکپارچگی اجتماعی^{۲۸}) می‌باشد.

²⁴. Social bond

²⁵. Social trust

²⁶. Social support

²⁷. Valued integration

²⁸. Social integration

پیامدهای سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی

امنیت محله‌ای

محل سکونت محلی است که فرد در آن جا ساکن است و زندگی می‌کند و احساس امنیت محل سکونت به معنای آن است که فرد در آن محیط احساس امنیت و آرامش کند (نوروزی و فولادسپهر، ۱۳۸۸: ۱۴۸). به‌طور کلی امنیت دارای معانی آرامش، آسایش و امنیتی است که یکی از رویکردهای جدید در شهرسازی را با عنوان شهری ایمن شکل می‌دهد. امنیت نوعی احساس آسایش و آرامش درونی محسوب می‌شود که از مولفه‌های فعال محیط حاصل می‌شود و پس از ادراک ذهنی گیرنده، احساس در امان بودن را به وجود می‌آورد. احساس امنیت در یادگیری انسان در شرایط محیطی به مثابه‌ی نوعی ادراک نوعی ادراک روانی حاصل می‌شود که از یک ساختار شهری و فرهنگی خاص با ساختار فرهنگی و اجتماعی دیگر متمایز است. بر این اساس شکل‌گیری احساس امنیت از لحاظ روان‌شناسی امنیت به شرایط محیط شهری (محله‌ای)، کنش‌ها و حوادث آن از یک‌سو و از سویی دیگر، نوع برداشت و سطوح ادراکی در آن ساختار فرهنگی است و همین دو اصل آن را از شهری به شهر دیگر و از ملتی به ملت دیگر متمایز می‌کند (ضابطیان و خدایی، ۱۳۸۸: ۸۹).

هر افزایش جمعیتی در ساختار شهری می‌تواند به کنش‌ها و واکنش‌های گوناگون در عرصه‌ی جمعی تبدیل شود که در نهایت امکان کاهش میزان احساس امنیت از دیدگاه شهروندان در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و جانی و مذهبی را نیز در برمی‌گیرد. از سوی دیگر این امر را می‌رساند که باید برای تعداد بیشتری از ساختارهای شهری امنیت مورد بررسی قرار گیرد. چرا که امنیت به واسطه‌ی تهدیدها مورد چالش واقع می‌شود. و این چالش‌ها ناشی از این امر است که افراد در محیط اجتماعی به سر می‌برند و فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این محیط است که امنیت شهروندان را دچار نقصان می‌کند (ضابطیان و خدایی، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۰). فضاهای امن شهری، فضاهایی هستند که اشخاص بیشتر در آن فعالیت می‌کنند و احساس امنیت بیشتری از آن درک می‌شود و کمتر به فعالیت‌های مجرمانه اجازه رخ دادن داده می‌شود؛ در یک فضای امن

و راحت، مردم تمایل دارند که یکدیگر را ببینند و آن فضا قابلیت اجتماعی شدن^{۲۹} را خواهد داشت. به طور کلی برخی از ویژگی‌های یک فضای امن شهری این چنین است:

- در یک فضای امن و راحت، مردم تمایل دارند که یکدیگر را ببینند و آن فضا قابلیت اجتماعی شدن را خواهد داشت.
- آن فضا جذاب شده و در اذهان باقی می‌ماند.
- در چنین فضایی امنیت برقرار شده و هیچ شهروندی هراسی از ورود و استفاده از یک فضای امن شهری نخواهد داشت.
- مکان خوبی برای یک سری از فعالیت‌ها می‌شود و به عبارتی دیگر از رونق و حیات شهری بهره‌مند می‌گردد.

شاید مساله امنیت بیش از هر چیز، مساله تنهایی و بی‌ریشگی باشد. بر این مبنا ضروری‌تری اقدام برای دستیابی به امنیت در محلات مسکونی‌مان، تقویت احساس تعلق ساکنان به محله است. هم‌چنین سکونت دراز مدت در محله نیز می‌تواند باعث افزایش حس تعلق و به دنبال آن افزایش امنیت شود؛ معمولاً این امر در شرایطی امکان‌پذیر است که خانه در تملک خانواده ساکن در آن باشد. لذا جانشینی تملک به جای تصرف ادواری نظیر اجاره‌نشینی به مرور زمان می‌تواند تأثیرگذار باشد. اسکار نیومن در این خصوص معتقد است که ساکنان از محله‌هایی دفاع می‌کنند که در تملک آن‌هاست (جعفری، ۱۳۸۹: ۲۳).

مهاجرت و بی‌ثباتی ساکنان در جریانات و تغییرات پی‌درپی جمعیتی هم در داخل و هم در خارج از حیطه‌ی همسایگی منعکس می‌شود و ممکن است اتصالات نهادی را از هم بگسلد؛ اتصالات و پیوندهایی که شامل شبکه‌های اجتماعی و انسجام اجتماعی بوده است (کلمن، ۱۹۸۸: ۱۵۸۳-۱۵۸۴). با توجه به این موضوع سامپسون و گروز (۱۹۸۹) دریافته‌اند که بی‌ثباتی ساکنان، به انحرافات متصل می‌شود؛ چرا که در این زمان شبکه‌های دوستی محله‌ای ضعیف است. تیتل و پیتر (۱۹۸۸)، بر این باورند که تحرک

²⁹. Socialization

ساکنان، تعهد^{۳۰} به هنجارهای قراردادی را کاهش می‌دهد و به طور مستقیم با رفتار جرم و جنایت رابطه دارد. به عبارت دیگر نرخ بالای مالکیت منازل، بیشتر و بیشتر کوشش‌های قومی را به منظور باقی نگه داشتن کنترل اجتماعی تشویق می‌کند. ریمون لودرو با مطرح کردن شخصیت شهر، از نوعی تداوم تاریخی نام می‌برد که به خصوص در شهرهای قدیمی نمایان است. قدیمی بودن به اعتقاد او نوعی احساس امنیت به شهروندان می‌دهد که حاصل احساس تداوم در زمان است. این رابطه، رابطه‌ای عاطفی و تجربه‌ای شخصی است که برای شهروندان مختلف می‌تواند به شدت متفاوت باشد (فکوهی، ۱۳۸۷: ۲۱۵). هم‌چنین چمبراردلو معتقد است افرادی که از محل زندگی قدیمی خود مهاجرت کرده و به جای دیگر می‌روند یا در آپارتمان‌های جدید سکونت می‌گزینند، در نتیجه انبوهی و شلوغی و ناآشنایی، همراه با احساس جدایی و تنهایی از سایر محلات شهر، عده‌ای از مردم از این وحشت دارند که ممکن است مجبور شوند با اشخاص مختلف یا با اصطلاح عامیانه با "هر کس و نا کس" تماس گرفته و رابطه برقرار کنند (توسلی، ۱۳۸۳: ۱۲۸ تا ۱۳۱).

کنترل اجتماعی

مجموع وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آن‌ها یک گروه یا یک واحد اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها و قواعدی در سلوک و حتی آداب و رسوم منطبق با آن چه گروه مطلوب ترقی می‌کند، سوق می‌دهد. کنترل اجتماعی، یکی از اشکال فشار اجتماعی^{۳۱} است (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۴۸).

احساس تعلق به محله، عاملی است که افراد را از بی‌تفاوتی نسبت به محل سکونتشان، خارج می‌کند و آن‌ها برای نظارت بر آن تشویق می‌نماید. این نظارت خود مهم‌ترین ضامن برقراری امنیت در سطح محله است. از این منظر، نظارت بر عرصه عمومی، وظیفه تک‌تک ساکنان محله است. اما نظارت بر عرصه خصوصی، جای تامل دارد. زیرا گاه حالت اشراف مزاحم و کنجکاوی بی‌موردی به خود می‌گیرد و محل آسایش ساکنان

³⁰. commitment

³¹. Social strain

می‌شود. لذا منظور از نظارت بیشتر، کنترل عرصه‌های عمومی محله است. این کنترل متعاقباً تامین امنیت ساکنان عرصه‌های خصوصی را در پی خواهد داشت؛ چرا که این عرصه‌ها معمولاً از بیرون تهدید می‌شوند (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۶۶؛ به نقل از جعفری، ۱۳۸۹: ۲۵). اسکار نیومان نیز معتقد است که فضاهای کوچک و نیمه‌عمومی به افزایش کنترل اجتماعی می‌انجامد؛ چون محیط‌های کوچک و فضاهای نیمه‌عمومی که برای گروه‌های کوچک ساکنان قابل رویت باشند، احتمالاً دارای میزان کمتری جرم و بزهکاری، سرقت و نزاع‌های غیرشخصی^{۳۲} است. وی گفت این امر به دلیل این است که در این محیط‌ها ساکنان می‌توانند ببینند که چه کسی وارد محیط آن‌ها شده و این به نوبه خود اختطاری است برای بیگانگان و کسانی که دست به خشونت می‌زنند؛ بنابراین چنین فضاهایی از خود نگرهبانی می‌کنند (دیکنز، ۱۳۷۷: ۲۱۷). خانم آلیس کولمن نیز مانند اسکار نیومان معتقد است که جرم و بزهکاری و غیره در مناطقی رخ می‌دهد که ساکنان آن نمی‌توانند بر رفت‌وآمدهای ساختمان مسکونی خود نظارت و اشراف داشته باشند. اخیراً کولمن اعتقاد یافته است کودکانی که در این نوع محیط‌ها بزرگ می‌شوند، دائماً دچار اختلال روانی هستند. به طور خلاصه هم نیومان و هم کولمن طرفدار این عقیده همه‌کس‌پسند می‌باشند که بلوک‌های آپارتمانی مسکونی و مرتفع بخش عمومی، کلاً مکان‌های نامناسبی برای زندگی هستند. نه فقط این ساختمان‌ها عموماً همراه با جرم و بزهکاری، فقر و شرایط مسکونی نامطلوب می‌باشند، هم‌چنین دیده شده است که آن‌ها مناطق پشت صحنه خوبی، برای روی آوردن به خلافکاری و سایر خشونت‌ها می‌باشند (همان منبع، ۲۱۸).

رضایت از محله مسکونی

یکی از ابعاد رضایت از زندگی، می‌تواند میزان رضایت‌مندی از محله و موقعیت سکونتی افراد باشد. رضایت‌مندی سکونتی معادل میزان رضایت درک و تجربه شده فرد یا عضوی از یک خانواده از موقعیت سکونتی فعلی خود محسوب شده است. این مفهوم نشانه‌ای مهم مبنی بر وجود ادراکات مثبت ساکنان نسبت به کیفیت زندگی خویش تلقی می‌شود.

³². Impersonal strife

یک محیط با کیفیت بالا، احساس رفاه و رضایت مندی به جمعیتش را به واسطه ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی و یا سمبلیک باشد، منتقل می‌کند. رضایت مندی سکونتی متأثر از طیف گسترده‌ای از شرایط ادراک شده عینی و ذهنی می‌باشد. این مفهوم دارای ماهیتی مرکب و نمایان‌گر رضایت فرد از واحد مسکونی، محله و ناحیه سکونتی اوست. در مدل‌های تجربی تحقیقات مربوط به سنجش کیفیت و رضایت مندی سکونتی، میزان رضایت از واحدهای سکونتی به عنوان یکی از معیارهای اصلی مطرح شده که به عوامل سازنده خود نظیر (تسهیلات/ ویژگی‌های کالبدی، امکان توفیق وسیله نقلیه، شرایط داخلی، تسهیلات بیرونی واحد، هزینه‌ها) تقسیم شده است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹۹). براساس مدل نظام‌مند، ثبات ساکنان، در تبیین پیوندهای اجتماعی (و رضایت از محله مسکونی) افراد با یکدیگر عامل کلیدی به حساب می‌آید. در این زمینه روس و دیگران، آدامز و سرپی معتقدند که اقامت طولانی^{۳۳} و مالکیت منزل مسکونی^{۳۴} شناخت همسایه‌ها را از یکدیگر بیشتر می‌کند، تعداد دوستان را در همسایگی‌ها افزایش می‌دهد و مشارکت در رخدادهای محلی را تقویت می‌کند (و افراد رضایت بیشتری از محله مسکونی خویش خواهند داشت). در مقابل تحرک ساکنان^{۳۵} موجب اختلال در شبکه روابط اجتماعی اجتماع می‌شود. افراد در اجتماعات بی‌ثبات، فرصت کمتری برای تماس‌های اجتماعی دارند. به دلیل آگاهی از این امر که دوستی‌ها دوام زیادی نخواهند داشت، آن‌ها تمایل و انگیزه‌ای برای دوستی‌های محلی از خود نشان نمی‌دهند (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳: ۷). بر طبق نظریه مازلو می‌توان اینگونه استدلال کرد که اگر افراد ساکن در یک محل بتوانند حس هویت محله‌ای خود یا به تعبیری دیگر عرق همسایگی خود را از طریق ارتباط و تعامل با همسایگان دیگر و ایجاد حس هویت محله‌ای در خود ایجاد کنند بالتبع خواهند توانست نیازهای اجتماعی یا حس تعلق به دیگران یا تعلق همسایگی خود را تقویت کرده و به رضایت از زندگی در محله مسکونی خود دست یابند و از بودن با دیگران و زندگی کردن با ایشان احساس

³³. Long- term resident

³⁴. Home owner

³⁵. Residential Mobility

رضایت و لذت بکنند. از جمله نظریه‌ها در حوزه روان‌شناسی اجتماعی، نظریه‌های بیگانگی اجتماعی^{۳۶} است. می‌توان این بعد را از جمله شرایط ادراک شده ذهنی رضایت از محل سکونت دانست. باید خاطر نشان ساخت که نظریه‌های اجتماعی که درباره بیگانگی مطرح شده‌اند، تلویحاً دربرگیرنده مقوله رضایت از زندگی هم هستند. می‌توان احساس بیگانگی اجتماعی را به معنای تبیین نارضایتی و عدم بهروزی به شمار آورد. بیگانگی اجتماعی به طور کلی به معنای بیگانگی فرد از جنبه‌های اصلی وجود اجتماعی - اش بوده و به طور ضمنی مبین نارضایتی و ناخرسندی است. به نظر مرتون هر سه جنبه بیگانگی یعنی بی‌قدرتی^{۳۷}، بی‌هنجاری^{۳۸} و احساس انزوای اجتماعی^{۳۹} می‌تواند در فرد تواما یا به صورت مجزا تظاهر کند (هزارجریبی و هزاری شالی، ۱۳۸۸: ۱۵).

بر طبق نظریه مازلو می‌توان اینگونه استدلال کرد که اگر افراد ساکن در یک محل بتوانند حس هویت محله‌ای خود یا به تعبیری دیگر عرق همسایگی^{۴۰} خود را از طریق ارتباط و تعامل با همسایگان دیگر و ایجاد حس هویت محله‌ای در خود ایجاد کنند، بالتبع خواهند توانست نیازهای اجتماعی یا حس تعلق به دیگران یا تعلق همسایگی خود را تقویت کرده و به رضایت از زندگی در محله مسکونی خود دست یابند و از بودن با دیگران و زندگی کردن با ایشان احساس رضایت و لذت بکنند.

چارچوب نظری

بر طبق نظرات نظریه‌پردازان هم‌چون کولی، روابط با همسایگان، جزو روابط نخستین بوده و روابط متقابل و چهره‌به‌چهره در میان اعضای آن برقرار است. وبر روابط همسایگی را روابطی می‌داند که روابط متقابل بین اعضای آن برقرار است و در مواقع اضطراری و بحران این همسایگان هستند که از هیچ کمک و حمایتی دریغ نخواهند ورزید. وبر نیز با سنخ‌شناسی روابط جماعتی^{۴۱} از انجمنی^{۴۲} این دو نوع جامعه را از

36. Social alienation

37. Powerlessness

38. Normlessness

39. Social isolation

40. Social pride

41. Communal

42. Associational

هم متمایز می‌کند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۱۵۴). همچنین جامعه‌شناسانی چون دورکیم با عنوان کردن همبستگی مکانیکی و ارگانیکی، تونیس با متمایز کردن جامعه‌ی گمیشافت از گزلفاشت و ... سعی در مقایسه‌ی انواع جوامع از لحاظ برقراری ارتباط و پیوند اجتماعی در میان نوع بشر نموده‌اند (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۰۹). این‌که در جوامع گذشته افراد همدیگر را بیشتر می‌شناختند. اهداف و آرزوهای جمعی داشته و دارای وجدان جمعی بوده‌اند. فضاهاى مختلفی برای برقراری ارتباط با یکدیگر داشتند. این در حالی است که امروزه از یک سو این فضاهاى عمومی در محلات برچیده شده است و به علت فردگرایی بیشتر، از میزان هویت و وجدان جمعی افراد کاسته شده است. هم‌چنین ظهور وسایل جدید ارتباط مجازی، جای ارتباط متقابل و رودر رو را گرفته است و افراد با سرگرم شدن و گذران اوقات فراغت در این چارچوب، به هر چه تنهاتر شدن خویش دامن زده‌اند.

به باور اندیشمندانی همچون وولکاک و نارایان^{۴۳}، خانواده و دوستان و آشنایان هر فرد، یک دارایی مهم و باارزش برای ایشان هستند؛ بنابراین همسایگان نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ چرا که همین این‌ها هستند که در مواقع بحران به استمداد آمده و به افراد کمک و یاری می‌رسانند (وولکاک و نارایان، ۲۰۰۰: ۲۳۰). به هر میزان افراد بتوانند شبکه‌های ارتباطی خویش را با دیگران گسترش دهند، به همان میزان خواهند توانست از زندگی‌شان رضایت بیشتری ببرند. چرا که منابع سرمایه‌ی اجتماعی در ساختار روابط اجتماعی نهفته است. پس منابع سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی نیز در روابط با دیگر همسایگان نهفته است. روابط همسایگی، همچون روابط خانوادگی و خویشاوندی^{۴۴}، نوع قدیم سرمایه‌ی اجتماعی محسوب می‌شوند که در آن پیوندهای اجتماعی برقرار شده میان همسایگان، به مثابه‌ی نوعی چسب محکم‌کننده و تقویت‌کننده انسجام و پیوستگی میان افراد عمل می‌کند.

وجود شبکه‌های روابط و تعاملات در بین افراد که در واقع تقویت‌کننده ارتباطات

⁴³. Woolcock and Narayan

⁴⁴. Family and relative relation

دو طرفه^{۴۵} میان افراد می‌باشد، به عبارت دیگر درگیری افراد در شبکه‌های اجتماعی بیانگر این است که وقتی افراد بتوانند شبکه روابطشان را با یک دیگر گسترش دهند، بالتبع خواهند توانست بهتر از منافع دیگران بهره ببرند. وجود انسجام رابطه‌ای نیز مشخص‌کننده شدت تراکم و قرینگی روابط اجتماعی میان افراد است (میزان فراوانی تعاملات با همسایگان و آیا این که این روابط دوجانبه و متقابل است؟). از سوی دیگر وجود نوعی مشارکت اجتماعی که بسترهای لازم را برای همکاری و مساعدت میان اعضا فراهم می‌کند، همچنین ایجاد یکپارچگی اجتماعی از طریق هرچه کاستن از تفاوت‌ها و نابرابری‌ها در زمینه ثروت مادی افراد باعث می‌شود تا از این طریق همدلی میان همسایگان افزایش یابد و خصومت میان افراد فقیر و غنی در روابط همسایگی از میان برداشته شود. می‌توان این ابعاد را به عنوان ابعاد عینی سرمایه اجتماعی همسایگی در نظر گرفت.

وجود حمایت و مساعدت اجتماعی و کمک‌های متقابل اعضا به یکدیگر، همیاری و ارتباطات دوجانبه، وجود اعتماد اجتماعی متقابل و انسجام ارزشی اعضا که بیانگر اهداف و ارزش‌ها و باورها و هنجارهای مشترک^{۴۶} است، را نیز بعد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی دانسته‌اند. این نوع از سرمایه به عنوان سرمایه‌ی اجتماعی شناختی افراد معنا می‌شود. هنجارهایی مانند احترام به دیگران و داشتن تعهد و مسئولیت در قبال آنها را می‌توان جزو وجود انسجام ارزشی میان اعضا دانست. همچنین از سوی دیگر همین که در میان ساکنان محله افرادی وجود داشته باشند که به هنگام بروز انواع مشکلات برای محله و همسایگان، بتوانند به عنوان اولین افراد در پیشنهاد دادن برای حل مشکلات پیش قدم شوند، این افراد در واقع از قدرت و صلاحیت لازم برای هرچه توانمندسازی ساکنان محله در برابر آسیب‌ها خواهند داشت. بنابراین همین ابعاد هستند که به عنوان سرمایه اجتماعی همسایگی میان افراد در نظر گرفته می‌شود. از سوی دیگر امنیت محله‌ای در رابطه با سه عنصر محیط فیزیکی، افراد و رویدادها

⁴⁵. Mutual relation

⁴⁶. Common norm

است. بر این اساس هر چه افراد مدت زمان بیشتری در یک محله سکونت داشته باشند، و از سوی دیگر احساس مالکیت بر منازلشان را داشته باشند، گامی در جهت افزایش امنیت محله‌ای برداشته خواهد شد، چرا که افراد در این صورت کمتر مهاجرت و جابه‌جایی را تجربه خواهند کرد و بیشتر میل به این امر خواهند داشت که همسایگان خود را بشناسند و از این طریق امنیت محله را برقرار نمایند. تداوم تاریخی و برقراری رابطه‌ی عاطفی⁴⁷ و تجربه‌ی شخصی نسبت به محیط، احساس تعلق و هویت محله‌ای و به دنبال آن امنیت محله‌ای را تقویت خواهد کرد. بنابر نظر لودرو تاریخت و قدیمی بودن نوعی حس امنیتی را برای افراد به ارمغان می‌آورد؛ چرا که محیط محله را همیشه برای خویشتن، آشنا می‌پندارد. در این شرایط درب خانه‌ها می‌تواند باز باشد و بچه‌های هر خانواده خواهند توانست در محیط اجتماعی محله با بچه‌های محل خود بازی کنند. به خاطر عبور و مرور و رفت و آمد اعضا در محیط محله امنیت بیشتر برقرار خواهد شد و افراد به راحتی و حتی شبانه این امنیت را خواهند داشت که در محیط محله به پیاده‌روی و گذراندن اوقات فراغت با دیگر همسایگان بپردازند. وجود انواع خدمات‌رسانی در محله (هنگام شب) مثل وجود داروخانه‌ها، تاکسی‌سرویس و ... نیز به بیشتر شدن امنیت محله کمک خواهد کرد.

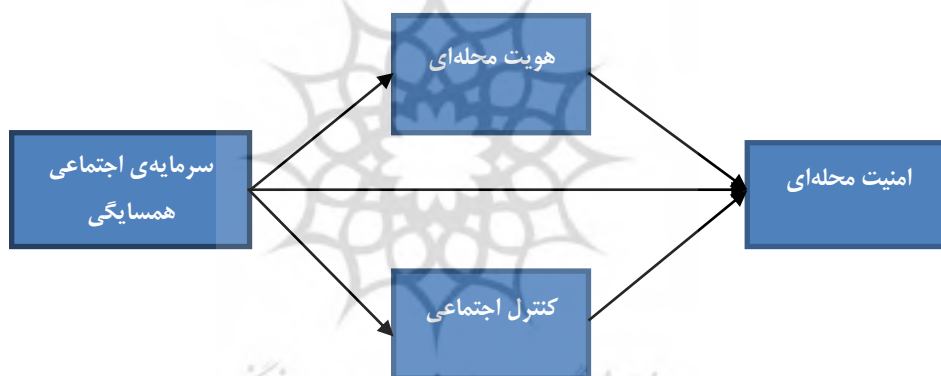
مطالعات انجام‌شده در زمینه مسئله‌ی اجتماع نشان می‌دهد که گرچه روابط اجتماعی حمایتی و قوی در شهرها تداوم دارد، اما این روابط معمولاً در محدوده‌ی محله نیستند. افراد ارتباطات قوی معدودی در سطح همسایگی و محله‌ای دارند. اجتماعات بیشتر دربرگیرنده‌ی پیوندهای خویشاوندی و روابط با گروه‌های مورد علاقه‌ی افراد هستند و الزاماً روابط محله‌ای را دربر نمی‌گیرند. اما شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای⁴⁸ مزایایی دارد. آن دسته از پیوندهای اجتماعی که از نظر فیزیکی در دسترس هستند برای فراهم ساختن حمایت‌های ابزاری مثل قرض‌دادن و گرفتن اقامت مورد نیاز در منزل، کمک در تعمیرات و همکاری در برخورد با سازمان‌ها مناسب است. جین

⁴⁷. Emotional relationship

⁴⁸. Neighborhood social capital formation

چیکویز سرمایه‌ی اجتماعی محله را عاملی مهم در افزایش امنیت محله، جریان اطلاعات در بین ساکنین محله و همیاری در امور مشارکتی می‌داند. پاتنام به نقش سرمایه اجتماعی در افزایش بهای مسکن اشاره دارد و آن را از عوامل بقای محله برمی‌شمارد. در محله‌هایی که سرمایه‌ی اجتماعی شکل می‌گیرد مسایل اجتماعی مانند اعتیاد، جرم و ... کمتر است؛ به عبارت دیگر سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله، افزایش امنیت محله و کاهش جرایم را دربر خواهد داشت. به طور کلی محلات با سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر امن هستند، از میزان اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند و آمادگی بیشتری برای برخورد با مسایل محلی دارند.

مدل نظری تحقیق:



فرضیات پژوهش

- ۱- بین سرمایه اجتماعی همسایگی با احساس امنیت محله‌ای افراد رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سرمایه اجتماعی همسایگی با میزان هویت محله‌ای افراد رابطه وجود دارد.
- ۳- بین سرمایه اجتماعی همسایگی با کنترل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین هویت محله‌ای و امنیت محله‌ای رابطه وجود دارد.
- ۵- بین کنترل اجتماعی و امنیت محله‌ای رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

نوع تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی بوده و روش تحقیق، پیمایشی است. در

جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای چون ° کتاب‌ها، مقاله‌های داخلی و خارجی و غیره - و جمع‌آوری نظرات مردم از طریق پرنمودن پرسشنامه حاصل شده است. **جامعه‌ی آماری و محدوده پژوهش:** جامعه آماری در این تحقیق کلیه افراد بالای ۱۸ سال شهر آران و بیدگل (منطقه آران) است.

شهرستان آران و بیدگل از توابع استان اصفهان با وسعت ۶۰۵۱ کیلومتر مربع در پنج کیلومتری شمال کاشان واقع شده است. این شهرستان که در حاشیه جنوب غربی کویر مرکزی ایران قرار دارد، از شمال به دریاچه نمک و استان سمنان و قم، از مشرق به شهرستان‌های نطنز و اردستان و از جنوب و غرب به شهرستان کاشان و رشته جبال مرکزی ایران محدود می‌باشد (سلمانی آرانی، ۱۳۷۷: ۹). جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۹۰ برابر با ۹۷۴۰۹ نفر می‌باشد (ذاکر اصفهانی، ۱۳۹۱: ۲۰).

شواهد و قرائن موجود و آن چه سینه به سینه در بین اهالی آران نقل می‌شود، نشان دهنده آن است که آران که یکی از قصبه‌های بزرگ تابعه کاشان بوده است و حتی در مآخذ تاریخی دوران صفویه نیز به عنوان قصبه از آن یاد شده است و دارای ۱۲ محله قدیمی بوده است، که هر کدام دارای یک باب مسجد و حسینیه و حمام و آب انبار مستقل بوده‌اند. پس از توسعه شهری در ۵۰ سال اخیر محله‌های جدیدی به وجود آمده‌اند (نیازی، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۴).

روش نمونه‌گیری: در این تحقیق سعی شد از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شود. در این روش متغیر طبقه‌بندی بر حسب محلات خواهد بود. در این تحقیق ابتدا کل منطقه آران به سه قسمت بافتی با قدمت زیاد، بافتی با قدمت ۵۰ سال و بافتی نوساز تقسیم می‌شوند (نیازی، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۳). سپس درصد محله‌های مذکور، نسبت به کل محلات (۲۲ محله) به ترتیب ۵۹ درصد محلات قدیمی‌ساز، ۲۲/۷ درصد محلات با قدمت ۵۰ سال و ۱۸ درصد محلات نوساز، مجموعاً محلات این شهر را تشکیل می‌دهند.

بنابراین در این تحقیق نیز سعی می‌شود با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای شده، ابتدا محلات مورد نظر به طور تصادفی انتخاب شده، سپس مجموع بلوک‌های هر

محلّه ارزیابی شده و نهایتاً به طور تصادفی پرسشنامه‌ها بین افراد بالای ۱۸ سال هر بلوک توزیع گردد.

حجم نمونه: حجم نمونه پژوهش حاضر، بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده که میزان آن برابر ۳۸۴ نفر است.

قابلیت اعتماد و پایایی: جهت پایایی ابزار سنجش از روش پیش آزمون و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای هر طیف سوال‌ها استفاده شد که آلفای به دست آمده از ۳۰ پرسشنامه مقدماتی، برای هر یک از طیف‌ها از ۰/۷۰ بالا یا نزدیک به آن بوده است و بنابراین همبستگی درونی گویه‌ها زیاد بوده است. برای مثال میزان آلفای هویت محلّه‌ای برابر با ۰/۸، امنیت محلّه‌ای برابر با ۰/۷۴، کنترل اجتماعی برابر با ۰/۶۷ بود.

معرفی متغیرها و شاخص‌ها

پرسشنامه شامل متغیرهایی چون متغیر سن، جنس، وضعیت تأهل، شغل، میزان تحصیلات، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی همسایگی شامل مؤلفه‌های عینی (الف- چگونگی شبکه روابط و تعاملات افراد با ۴ گویه؛ ب- انسجام رابطه‌ای با ۷ گویه؛ پ- مشارکت اجتماعی با ۶ گویه) و مؤلفه‌های ذهنی شامل (الف- اعتماد اجتماعی با ۵ گویه؛ ب- حمایت اجتماعی با ۷ گویه؛ پ- انسجام ارزشی با ۶ گویه؛ ت- نزدیکی اجتماعی با ۳ گویه) سنجیده شده است. هم‌چنین امنیت اجتماعی با ۸ گویه، کنترل اجتماعی با ۶ گویه، میزان رضایت‌مندی سکونت با ۶ گویه و هویت محلّه‌ای با ۱۲ گویه سنجیده شده، که مجموع امتیاز گویه‌ها سطح متغیر را نشان می‌دهد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی حاکی از این است که ۳۹/۱ درصد افراد در رده سنی ۱۸ تا ۲۸ سال قرار داشته‌اند، ۲۴/۵ درصد افراد در رده سنی ۲۹ تا ۳۹ سال، ۲۰/۸ درصد افراد در رده سنی ۴۰ تا ۵۰ سال و فقط ۱۵/۶ درصد افراد در رده سنی بالاتر از ۵۰ سال قرار داشته‌اند. ۲۸/۴ درصد پاسخگویان این تحقیق را مردان و ۷۱/۴ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. بنابراین بیشتر پاسخگویان این تحقیق، زنان بوده‌اند.

از طرف دیگر ۷۱/۹ درصد افراد، متأهل و دارای همسر و ۲۲/۷ درصد افراد مجرد بوده‌اند. تنها ۱/۳ درصد افراد مطلقه و ۳/۹ درصد افراد نیز بیوه بوده‌اند. در این میان بیشترین درصد مربوط به افراد متأهل بوده است. فقط ۲۵/۸ درصد افراد، دارای شغل و ۷۴/۲ درصد افراد غیر شاغل بوده‌اند. در توضیح این امر می‌توان این گونه خاطر نشان کرد که از آن جا که بیشتر پاسخگویان، در این تحقیق را زنان تشکیل داده‌اند و آن‌ها نیز خانه‌دار بوده‌اند، بنابراین خود را غیر شاغل معرفی نموده‌اند. به همین خاطر میزان درصد غیر شاغلی افراد بالا رفته است. و در آخر ۳۲/۸ درصد افراد بی‌سواد و یا تا حد ابتدایی تحصیل کرده‌اند. ۴۳ درصد افراد دارای مدرک سیکل و دیپلم بوده‌اند. ۲۱/۶ درصد افراد دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس بوده‌اند و تنها ۲/۶ درصد افراد دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر از آن بوده‌اند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی همسایگی با احساس امنیت محله‌ای افراد رابطه وجود دارد.

در این فرضیه متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی همسایگی) و متغیر وابسته (امنیت محل سکونت) است. از آن جا که هر دو متغیر از نوع متغیر فاصله‌ای هستند، در نتیجه برای آزمون فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول شماره ۱: رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و احساس امنیت محله‌ای

سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی	احساس امنیت محله‌ای	
۳۵۱	۱	همبستگی پیرسون
۰۰۰		احساس امنیت محله‌ای
۳۸۴	۳۸۴	سطح معناداری (دودامنه) تعداد
۱	۳۵۱	همبستگی پیرسون
	۰۰۰	سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی
۳۸۴	۳۸۴	سطح معناداری (دودامنه) تعداد

چون سطح معناداری (دودامنه) از (۰/۰۵) کمتر است، فرضیه‌ی صفر را رد می‌کنیم و نتیجه می‌گیریم با این شواهد و مدارک دلیلی برای رد فرضیه‌ی تحقیق نداریم. به عبارت دیگر هرچه سرمایه اجتماعی همسایگی افراد بالا رود، احساس امنیت محله‌ای آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه‌ی ۲: به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی همسایگی با میزان هویت محله‌ای افراد رابطه وجود دارد.

در این فرضیه متغیر مستقل سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و متغیر وابسته میزان هویت محله‌ای می‌باشد. چون هر دو متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای قرار دارند، برای آزمون آن از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌کنیم.

جدول شماره‌ی ۲: رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و میزان هویت محله‌ای

سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی	میزان هویت محله‌ای	
۰.۵۱۲	۱	همبستگی پیرسون
۰.۰۰۰		میزان هویت محله‌ای
۳۸۴	۳۸۴	سطح معناداری (دودامنه) تعداد
۱	۰.۵۱۲	همبستگی پیرسون
	۰.۰۰۰	سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی
۳۸۴	۳۸۴	سطح معناداری (دودامنه) تعداد

چون سطح معناداری (دودامنه) از (۰/۰۵) کمتر است، فرضیه‌ی صفر را رد می‌کنیم و نتیجه می‌گیریم با این شواهد و مدارک دلیلی برای رد فرضیه‌ی تحقیق نداریم. به عبارت دیگر هرچه سرمایه اجتماعی افراد بالاتر می‌رود، میزان هویت اجتماعی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود.

فرضیه‌ی ۳: به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی همسایگی با کنترل اجتماعی رابطه

وجود دارد.

در این فرضیه متغیر مستقل سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و متغیر وابسته کنترل اجتماعی می‌باشد؛ و چون سطح سنجش هر دو متغیر فاصله‌ای می‌باشد در این فرضیه برای آزمون آن از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌کنیم.

جدول شماره‌ی ۳: رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و کنترل اجتماعی

سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی	کنترل اجتماعی	
۴۸۲	۲	همبستگی پیرسون
۰۰۰		کنترل اجتماعی
۳۸۴	۳۸۴	سطح معناداری (دودامنه) تعداد
۱	۴۸۲	همبستگی پیرسون
	۰۰۰	سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی
۳۸۴	۳۸۴	سطح معناداری (دودامنه) تعداد

چون سطح معناداری (دودامنه) از (۰/۰۵) کمتر است، فرضیه‌ی صفر را رد می‌کنیم و نتیجه می‌گیریم با این شواهد و مدارک دلیلی برای رد فرضیه‌ی تحقیق نداریم. به عبارت دیگر هرچه سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی افراد بالا رود، کنترل اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه‌ی ۴: به نظر می‌رسد بین هویت محله‌ای و امنیت محله‌ای رابطه وجود دارد. در این فرضیه متغیر مستقل هویت محله‌ای و متغیر وابسته امنیت محله‌ای می‌باشد. چون هر دو متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشند، برای آزمون آن از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

جدول شماره‌ی ۴: رابطه‌ی بین امنیت محله‌ای و هویت محله‌ای

امنیت محله‌ای	هویت محله‌ای	
۲۷۰	۱	همبستگی پیرسون
۰۰۰		هویت محله‌ای
۳۸۴	۳۸۴	سطح معناداری (دودامنه) تعداد
۱	۲۷۰	امنیت محله‌ای
		همبستگی پیرسون

۳۸۴	۰.۰۰۰	سطح معناداری (دودامنه)
۳۸۴	۳۸۴	تعداد

چون سطح معناداری (دودامنه) از (۰/۰۵) کمتر است، فرضیه‌ی صفر را رد می‌کنیم و فرضیه‌ی تحقیق را تأیید می‌کنیم. هرچه میزان هویت محله‌ای افراد افزایش پیدا کند، امنیت محله‌ای آن‌ها نیز افزایش خواهد کرد.

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد بین کنترل اجتماعی و امنیت محله‌ای رابطه وجود دارد. در این فرضیه متغیر مستقل کنترل اجتماعی و متغیر وابسته امنیت محله‌ای می‌باشد. چون سطوح اندازه‌گیری دو متغیر فاصله‌ای می‌باشد، برای سنجش آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

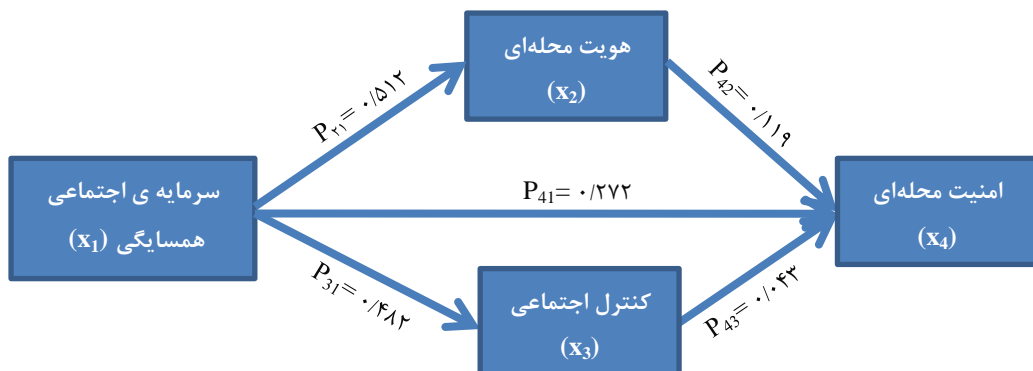
جدول شماره ۵: رابطه‌ی بین کنترل اجتماعی و امنیت محله‌ای

کنترل اجتماعی	امنیت محله‌ای	
۰.۲۰۹	۱	هم‌بستگی پیرسون
۰.۰۰۰		امنیت محله‌ای
۳۸۴	۳۸۴	سطح معناداری (دودامنه)
		تعداد
۱	۰.۲۰۹	هم‌بستگی پیرسون
	۰.۰۰۰	کنترل اجتماعی
۳۸۴	۳۸۴	سطح معناداری (دودامنه)
		تعداد

چون سطح معناداری (دودامنه) از (۰/۰۵) کمتر است، فرضیه‌ی صفر را رد می‌کنیم و فرضیه تحقیق که بیانگر این است که با افزایش در کنترل اجتماعی، امنیت محله‌ای نیز افزایش پیدا می‌کند، تأیید می‌شود.

آزمون مدل نظری تحقیق

ضرایب مسیر برای کلیه‌ی مسیرها به دست آمده است و در شکل زیر نشان داده می‌شود:



میزان تأثیرهای مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در جدول زیر نشان داده و بررسی می‌شود:

جدول شماره ۶: میزان تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر امنیت

محلله‌ای

میزان تأثیر	مسیر	نوع اثر
۰/۲۷۲	$X_1 \rightarrow X_4$	تأثیر مستقیم
$(۰/۵۱۲)(۰/۱۱۹) = ۰/۰۶۰$ $(۰/۴۸۲)(۰/۰۴۳) = ۰/۰۲۰$	$X_1 \rightarrow X_2 \rightarrow X_4$ $X_1 \rightarrow X_3 \rightarrow X_4$	تأثیر غیرمستقیم
۰/۰۸۰		مجموع تأثیرات غیرمستقیم
۰/۳۵۲		تأثیر کل

جدول شماره ۷: میزان تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل هویت محلله‌ای بر امنیت محلله‌ای

میزان تأثیر	مسیر	نوع اثر
۰/۱۱۹	$X_2 \rightarrow X_4$	تأثیر مستقیم
۰		تأثیر غیرمستقیم
۰		مجموع تأثیرات غیرمستقیم
۰/۱۱۹		تأثیر کل

جدول شماره ۸: میزان تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل کنترل اجتماعی بر امنیت محلله‌ای

میزان تأثیر	مسیر	نوع اثر
۰/۰۴۳	$X_3 \rightarrow X_4$	تأثیر مستقیم
۰		تأثیر غیرمستقیم
۰		مجموع تأثیرات غیرمستقیم
۰/۰۴۳		تأثیر کل

مجموعه‌ی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته، مقداری از واریانس متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند و مقداری از متغیر وابسته را نتوانسته‌اند تبیین کنند. میزان R^2 (واریانس تبیین شده یا ضریب تعیین) $0/13$ می‌باشد و این بدین معنا می‌باشد که مجموع متغیرهای مستقل ۱۳ درصد متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. بنابراین متغیرهای مستقل سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی، هویت محله‌ای و کنترل اجتماعی تقریباً سیزده درصد از واریانس متغیر وابسته (امنیت محله‌ای) را تبیین می‌کنند.

نتیجه‌گیری:

در این پژوهش سعی شد، به اهمیت سرمایه اجتماعی همسایگی در دنیای کنونی که ارتباطات بیشتر به سمت ارتباطات مجازی می‌رود و هم‌چنین به پیامدهای کاهش و افزایش این نوع خاص از سرمایه پرداخته شود. مولفه‌های متفاوت این مفهوم (ابعاد عینی و ذهنی) و پیامدهای مثبت آن (امنیت محله‌ای، کنترل اجتماعی و رضایت از محل سکونت) با توجه به نظریه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. نظریه‌های متفاوت در این موضوع مانند کولی، وبر، وولکاک و نارایان، جین جیکوینز، پاتنام و... بررسی شدند. هر کدام از آن‌ها بر اهمیت روابط همسایگی و پیامدهای آن از جمله امنیت محله‌ای تأکید ورزیدند. پاتنام اشاره می‌کند که محلات با سرمایه اجتماعی بیشتر امن هستند، از میزان اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند و آمادگی بیشتری برای برخورد با مسایل محلی دارند. تحقیقات داخلی به بررسی مشارکت در روابط همسایگی و امنیت محله‌ای (صدیق سروستانی)، نقش نهادهای غیردولتی محله‌ای در امنیت اجتماعی (سفیری)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه‌ی محله‌ای (خاکپور و همکاران) و ... پرداخته‌اند، اما این پژوهش با رویکرد بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی همسایگی و پیامدهای آن بر امنیت محله‌ای می‌باشد. تحقیقات پیشین سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت محله‌ای و ... را بررسی کرده‌اند، اما پژوهش حاضر تأکیدی خاص بر سرمایه‌ی اجتماعی از نوع همسایگی و پیامدها و رابطه‌ی آن با امنیت محله‌ای دارد که کمتر مورد توجه پژوهشگران واقع شده است. این رویکرد در تحقیقات خارجی هم مورد توجه می‌باشد که جزئی از برنامه‌هایشان برای احیای بافت محله‌ای و سیاست‌های مربوط به آن است. رابطه بین متغیرها در مدل تئوریکی

و تایید فرضیه‌ها نشانگر همین موضوع‌ها می‌باشد. تایید فرضیه‌های ۱، ۲ و ۳ نشان داد که رابطه‌ی مستقیمی بین سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و افزایش هویت محله‌ای، کنترل اجتماعی و امنیت محله‌ای وجود دارد. تایید فرضیه‌های ۴ و ۵ نیز نقش هویت محله‌ای و کنترل اجتماعی را در افزایش امنیت محله‌ای نشان می‌دهد، که تاکید این پژوهش نیز بر سهم این متغیرهای مستقل (مخصوصاً سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی) بر افزایش امنیت محله‌ای می‌باشد. تحلیل مسیر نیز نشان می‌دهد که درصد تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل چقدر است. باید به این نکته توجه کرد که مفهوم امنیت محله‌ای توسط متغیرهای زیادی قابل تبیین است (متغیرهای زیادی بر آن تأثیرگذار می‌باشند) که این تحقیق به تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی به عنوان متغیری که کمتر با آن توجه می‌شود، نظر دارد و این تحقیق نیز نشان می‌دهد که این متغیرها درصد خوبی برای تبیین امنیت محله‌ای دارند و اگر به این جنبه توجه شود و سیاست‌گذاری‌ها در این بعد نیز وجود داشته باشد، تأثیر زیادی در افزایش امنیت محله‌ای که مسئله‌ای مهم می‌باشد، خواهد داشت.

علی‌رغم گسترش دنیای ارتباطات مجازی، هم‌چنان روابط همسایگی در شهر کوچکی مثل آران و بیدگل، مهم بوده و یکی از حلقه‌های ارتباطاتی افراد را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر به علت پیامدهای مثبت فراوانی که این نوع از سرمایه می‌تواند داشته باشد، پس به‌جا خواهد بود، که در راستای هرچه غنی‌تر کردن آن گام برداشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴)، **جامعه‌شناسی توسعه**، انتشارات کیهان، چاپ پنجم، تهران.
- افروغ، عماد (۱۳۷۷)، **فضا و جامعه**، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- بهیان، شاپور و فیروزآبادی، آمنه، "بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهرها (مطالعه‌ی موردی: شهر کرمان)" مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال سوم، شماره‌ی ششم، بهار ۱۳۹۲، ۱۲۲-۱۰۳.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰)، **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه باقر ساروخانی، نشر کیهان.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳)، **جامعه‌شناسی شهری**، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ هفتم.
- جعفری، سمیرا (۱۳۸۹) "امنیت در محلات مسکونی"، فصلنامه گزارش، شماره ی ۶۴ و ۶۵؛ ص ۲۲-۳۰.
- جمعی از مترجمان (۱۳۸۷) **مبانی مفهومی سرمایه‌ی اجتماعی**، ترجمه‌ی محمد مهدی شجاعی باغینی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
- چلبی، مسعود و مهدی امیرکافی (۱۳۸۳) "تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی"، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره پنجم، شماره ۲؛ ص ۳-۳۱.
- خاکپور، براتعلی و دیگران (۱۳۸۸)، "نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه پایدار محله ای"، **مجله‌ی جغرافیا و توسعه ناحیه ای**، شماره دوازدهم؛ ص ۸۱ ° ۵۵.
- دیکنز، پیتر (۱۳۷۷)، "جامعه‌شناسی شهری- جامعه، اجتماع محلی و طبیعت انسانی، ترجمه حسین بهروان"، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- ذاکر اصفهانی، علی‌رضا "سالنامه‌ی آماری شهرستان آران و بیدگل ۱۳۹۰"، استانداری اصفهان، دفتر آمار و اطلاعات، ۱۳۹۱.
- ذوالفقاری، حسین؛ شایگان، فریبا، "بررسی جغرافیای جرم در شهر تهران"، پژوهش‌نامه‌ی نظم و امنیت انتظامی، تابستان ۱۳۹۰، شماره‌ی ۱۴، ص ۱ تا ۲۸.
- رفیعیان، مجتبی و هودسنی، هانیه (۱۳۸۸)، **مدیریت و سرمایه‌ی اجتماعی (۲)**، پژوهش‌نامه شماره‌ی ۴۰، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.

- سفیری، خدیجه، "نقش نهادهای غیردولتی محله‌ای در تامین امنیت محله‌ای (با تکیه بر شهر تهران)"، مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران، دوره‌ی دوم، شماره‌ی دوم، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۶۴ ° ۱۴۳.
- سلمانی آرانی، حبیب اله "نگاهی به آران و بیدگل"، انجمن اهل قلم آران، ۱۳۷۷.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰) "فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی و پیامدهای آن"، نامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره سوم؛ ص ۱۱۲-۱۰۱.
- صدیق سروسستانی، رحمت اله و نوروز نیمروزی (۱۳۸۹) "بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات مشهد"؛ فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم؛ ص ۱۸۶-۲۲۰.
- ضابطیان، الهام؛ خدایی، زهرا، "رویکرد مشارکتی و اجتماعی محور در ایجاد فضاهای امن شهری"، مطالعات مدیریت شهری، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۴۹ ° ۱۶۳.
- کشتکار قلاتی، احمدرضا و دیگران (بی تا) "راهکارهای کاهش اثرات سوءتوسعه حمل و نقل بر ارزش‌های موجود در محله‌های مسکونی"، ماهنامه بین‌المللی راه و ساختمان، شماره ۶۷؛ ص ۴۵ - ۴۰.
- گزارش تحقیقی کمیسیون بهره‌وری استرالیا (۲۰۰۳)، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول، تهران (۱۳۸۷).
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۷)، "انسان شناسی شهری"، نشر نی، چاپ پنجم، تهران.
- نوروزی، فیض‌اله؛ فولادسپهر، سارا، "بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن"، مجله‌ی راهبرد، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۵۹ ° ۱۲۹.
- وحید، فریدون و نگینی، سمیه، "ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله‌ای"، مطالعات جامعه‌شناختی شهری"، سال دوم، شماره‌ی دوم، بهار ۱۳۹۱، ۵۸-۳۵.
- هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی (۱۳۸۸) "بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن"، فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم؛ ص ۷-۲۸.
- یوسفی، علی و دیگران (۱۳۸۸) "انسجام در شبکه‌های اجتماعی شهر مشهد"، مجله

جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۱؛ ص ۱۳۸-۱۶۱.

- نیازی، محسن (۱۳۸۷) "مردم‌شناسی آران و بیدگل"، انتشارات علم و دانش، چاپ اول، تهران.

- Chong, Sheau Tsuey (2005), Young Australians Neighborhood Social Capital, Faculty Life and Social Sciences, Swinburn University of Technology, 2-22
- Coleman, James, social capital in the creation of human capital, American Journal of sociology, Vol.94, 1988
- Innes, Martin & Jones, Venessa, Neighbourhood security and urban change, Joseph Rowntree Foundation, University of Surrey 2006
- Perreir, Krista & ET ۴ (2006) High school completion by immigrant and native youth-Demography-volum43-Number 3,511-536
- Robertson, James Smyth and et.al (2008), Space, Belonging and Identities, Neighbourhood Identity, 37-71
- Schweitzer, John H, Neighborhood Social capital measures and behavior change, Center for Community and Economic Development, 2010
- Svendsen, Gert Tinggaard and Gunner Lind Haase, Handbook of social capital: the troika of sociology, political science and economics, 2009, Edward Elgar
- Woolcock, Michael & Deepa Narayan, 2000, Social Capital: Implications for Development

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی